

**اقتباس در سینما، فرآیندی است که طی آن یک اثر ادبی، نمایشی، تاریخی یا اسطوره‌ای به یک اثر سینمایی تبدیل می‌شود. این فرآیند نه‌تنها به غنای سینما کمک می‌کند بلکه امکان بازتعریف مفاهیم قدیمی در قالب‌های جدید را فراهم می‌سازد. اقتباس می‌تواند از رمان‌ها، داستان‌های کوتاه، نمایشنامه‌ها، اساطیر یا حتی وقایع تاریخی الهام بگیرد و با ایجاد گفت‌وگوی بینامتنی، به حفظ و انتقال میراث فرهنگی کمک کند. بااین‌حال، اقتباس چالش‌هایی نیز به همراه دارد، ازجمله عدم وفاداری به اثر اصلی، مسائل حقوقی و اخلاقی و دشواری‌های تبدیل محتوای ذهنی به تصویر. نمونه‌های موفق اقتباس، مانند «ارباب حلقه‌ها» یا «کینگ‌کنگ» نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با خلاقیت و احترام به منبع اصلی، آثاری ماندگار خلق کرد. در یازدهمین نشست بررسی سینمای ایران و جهان با حضور بهروز زهرایی (مدرس و منتقد سینما) سیدعلی ماه، محمدامین احمدی و مهدی صالحی از هنرجویان مدرسه نقد که در ساختمان روزنامه جام‌جم برگزار شد، به تعریف اقتباس، اهمیت آن در سینما، جذابیت‌ها، چالش‌ها و پیشنهادهایی برای بهبود این فرآیند پرداخته شد.**

■ ■ ■

**زهرایی:** نشست یازدهم از مدرسه نقد با عنوان «بررسی مقوله اقتباس در سینما» و به‌نوعی عارضه‌یابی و آسیب‌شناسی اقتباس در سینمای ایران را برگزار می‌کنیم؛ یک توضیح را باید در ابتدای بحث عرض کنم؛ این مجموعه نشست‌های نقد سینمایی که در روزنامه جام‌جم توسط مدرسه‌نقد برگزار می‌شود، به‌هیچ‌وجه نشست‌های عادی و پیش پا افتاده‌ای نیستند. این نشست‌ها تخصصی‌اند و آنها را با حضور هنرجویان برگزار می‌کنیم ولی تلاش و تاکید ما بر این اصل استوار است که بیان‌مان ساده و شیوا باشد؛ یعنی ترجیح می‌دهیم مباحث تخصصی و روز را بررسی کنیم؛ موضوعاتی که احساس می‌کنیم هنرمندان، مدیران، مسئولان یا مردم عادی نیاز به بازنگری یا بازتعریف درست یا توجه بیشتر به آنها دارند. ما دیدگاه خودمان را ارائه می‌کنیم و سعی داریم سهم‌مان را ادا کنیم تا به امید خدا درنهایت اتفاقات خوبی در فرهنگ مملکت رخ دهد.

#### تعریف اقتباس و نمونه‌های موفق آن

در این جلسه به اقتباس می‌پردازیم. ناچارم اینجا چند توضیح درباره مقوله اقتباس بدهم. به دلیل این‌که بحث اقتباس در کشور ما بسیار مهجور و مبهم است و غالباً برداشت نادرستی از اقتباس می‌شود. به‌طور استاندارد، مقوله اقتباس برگردان سینمایی از یک رمان یا داستان کوتاه یا بلند است، فیلم‌ساز فیلمنامه‌ای تهیه می‌کند و فیلمی می‌سازد که می‌شود فیلم اقتباسی. معروف‌ترین، بزرگ‌ترین و موفق‌ترین نمونه اقتباسی در تاریخ سینمای‌توان از فیلم «برباد رفته» نام‌برد. طبیعتاً در کنار این، از کتاب‌های زیادی در خارج از ایران و در کشور اقتباس سینمایی صورت گرفته. از نمونه‌های موفق در ایران، کتاب «عزاداران بیل» آقای ساعدی و فیلم «گاو» است که برپایه آن، توسط آقای مهرجویی ساخته شد و باز چندین رمان دیگر از آقای ساعدی مثل «داش‌آکل»، «آشفال‌دون» «شازده احتجاب» که تبدیل به فیلم سینمایی شدند.

**احمدی:** اقتباس در سینما به فرآیند تبدیل یک اثر ادبی، نمایشی، تاریخی یا حتی اسطوره‌ای به یک اثر سینمایی گفته می‌شود. این فرآیندی می‌تواند شامل بازسازی دقیق داستان اصلی یا برداشتی آزاد از آن باشد. اقتباس به فیلم‌سازان این امکان را می‌دهد که از منابع غنی فرهنگی، ادبی و تاریخی برای خلق آثار جدید استفاده کنند. نمونه‌های موفق اقتباس در سینما بسیارند و برخی از آنها به دلیل وفاداری به اثر اصلی یا خلاقیت در بازسازی، به‌عنوان آثار ماندگار شناخته شده‌اند. به‌عنوان مثال، فیلم «ارباب حلقه‌ها» که براساس رمان‌های جی. آر. آر. تالکین ساخته شد، توانست دنیای فانتزی تالکین را به شکلی باشکوه و دقیق به تصویر بکشد. همچنین فیلم «کینگ‌کنگ» (۱۹۳۳) که از اسطوره‌های زیبایی و هیولاهام گرفته، توانست مفاهیم عمیق‌تری مانند ترس‌ها و آرزوهای جامعه مدرن را بازتاب دهد. در سینمای ایران نیز نمونه‌های موفقی از اقتباس وجود دارد، مانند فیلم «پله آخر» ساخته علی مصفا که اقتباسی از داستان کوتاه «مردگان» اثر جیمز جویس است. این فیلم باوجود این‌که یک اقتباس آزاد محسوب می‌شد، توانست روح داستان جویس را به‌خوبی منتقل کند. همچنین فیلم‌هایی مانند «بیگانه» و «اینجا بدون من» ساخته بهرام توکلی که به ترتیب از نمایشنامه‌های «آنتوینیو به نام هوس» و «باغ‌وحش شیشه‌ای» اثر ترنتی ویلیامز اقتباس شده، نمونه‌های دیگری از اقتباس‌های موفق در سینمای ایران هستند.

**صالحی:** اگر نگاهی به سینمای ایران در دو سال گذشته بیندازیم، می‌بینیم که فیلم‌های اقتباسی در جشنواره‌های اخیر بسیار درخشانده‌اند؛ یعنی در جشنواره‌های قبلی و در این جشنواره، فیلم‌هایی که اقتباسی هستند، از آثار ادبی یا موضوعات تاریخی اقتباس شده و تقریباً ۵۰ درصد فیلم‌های جشنواره را تشکیل می‌دهند. همین‌طور در سراسر دنیا نیز این

موضوع وجود دارد. بسیاری از آثار سینمایی که جایزه می‌گیرند، اقتباسی هستند. اقبال عمومی نسبت به این آثار بیشتر است، زیرا به ذهن ما نزدیک‌تر هستند. داستان‌هایی که قبلاً وجود داشته و حالا به‌صورت تصویری مشاهده می‌کنیم. فیلم‌سازان تمایل دارند که فیلم‌های اقتباسی بسازند، زیرا اگر بتوانند فیلم را به خوبی بسازند و مورد پسند مردم باشد، درآمد بسیار خوبی برای‌شان به ارمغان می‌آورد و سرمایه‌گذاری‌شان چندین برابر بازگشت خواهد داشت؛ اما اگر فیلمی اقتضاح بسازند، نه‌تنها موفق نخواهند شد بلکه نام‌شان در تاریخ به‌عنوان کسی که حتی نتوانسته یک اقتباس درست کند، باقی می‌ماند.

در مورد اقتباس، همیشه این‌طور نیست که چیزی وجود داشته باشد و ما آن را به همان شکل درست کنیم. مثلاً آلفرد هیچکاک در مورد فیلم «پزندگان» گفت: «من داستان کتاب را گرفتم و آن را به شکلی کاملاً متفاوت تبدیل کردم». بنابراین، فیلم‌های اقتباسی همیشه پایبند به اصل مطلب نیستند و می‌توانند یک جهان جدید و زاویه دیگری را به ما بدهند.

البته فیلم‌هایی مثل «برباد رفته» هم وجود دارد که به کتاب پایبند هستند و از صفحه اول تا آخر کتاب را روایت می‌کنند ولی در همین آثار هم شاهد حذف، کم‌رنگ کردن یا حتی تغییر شخصیت داستان در راستای کارکرد فیلم هستیم. در مجموع، فیلم‌های اقتباسی جذابیت خاص خود را دارند و مردم هم این نوع فیلم‌ها را دوست دارند؛ بنابراین، اگر فیلم‌سازان دقت کنند و به‌درستی اقتباس کنند، می‌توانند آثار خوبی ارائه دهند. به‌طورکلی، اقتباس سینمایی یک فرآیند خلاقانه است که نیاز به دقت و توجه دارد و می‌تواند آثار بسیار جذاب و ماندگاری به وجود بیاورد.

**سیدعلی ماه:** اقتباس سینمایی نوعی برگردان کردن متن نوشتاری به تصویر است که فیلم‌ساز سعی می‌کند با مداخلات تصویری، نشانه‌های زبانی را ایجاد کند. کوتاه‌ترین تعریف اقتباس، اخذ کردن یا برگرفتن از مبدأ به مقصد است؛ یعنی تولید کالاهای فرهنگی جدیدی به زبان دیگر که دارای نشانه‌هایی از همان مبدأ یا اثر ادبی است. این شامل تولید کالاهای فرهنگی و فیلم‌های سینمایی است. در دهه‌های اخیر، نخستین فیلم‌های سینمایی در ایران اقتباس از آثار کهن و منظومه‌های فارسی مثل «شهرین و فرهاد» و «لیلی و مجنون» بوده‌اند. هدف این آثار، سرگرم کردن و ترویج ملی‌گرایی و میهن‌پرستی بوده است. هنرمندانی همچون کیارستمی و امیر نادری توانستند معنای اقتباس از آثار ادبی را به کنار بگذارند و از اندیشه‌هایی که در آن فضا وجود داشته، در مدیوم سینما و زبان سینما استفاده کنند.

#### اهمیت اقتباس در سینما

**زهرایی:** ما به طور کلی در مورد اقتباس صحبت کردیم اما سؤال این است که چرا در کشور ما اقتباس که یک زمانی موفق بوده، امروزه کمتر مورد توجه واقع می‌شود؟ به‌نظر من چند مسأله وجود دارد. اول این که ما رمان‌های خوبی داریم که نویسندگان توانایی آنها را نوشته‌اند. مثلاً چند کار از آقای مصطفی مستور یا کارهای آقای نادر ابراهیمی مثل آتش بدون دود که توسط خود ایشان تبدیل به سریال هم شد یا نوشته‌های آقای دولت‌آبادی و دیگران که آثارشان کاملاً

قابلیت اقتباس سینمایی دارند.

**احمدی:** اقتباس در سینما از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا به فیلم‌سازان امکان می‌دهد تا از پیشینه‌های فرهنگی و ادبی غنی برای خلق آثار جدید استفاده کنند. این فرآیند نه‌تنها به غنای سینما کمک می‌کند، بلکه باعث ایجاد گفت‌وگوی بینامتنی بین آثار قدیمی و جدید می‌شود. اقتباس می‌تواند مفاهیم قدیمی را در قالب‌های جدید بازتعریف کند و آنها را برای نسل‌های جدید قابل درک و جذاب سازد. به‌عنوان مثال، فیلم کینگ‌کنگ نه‌تنها یک اثر سرگرم‌کننده است بلکه بازتابی از ترس‌ها و آرزوهای جامعه مدرن نیز محسوب می‌شود. اقتباس همچنین می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی و ادبی کمک کند. بسیاری از داستان‌ها، اساطیر و وقایع تاریخی که ممکن است به مرور زمان فراموش شوند، از طریق اقتباس سینمایی دوباره زنده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند. این فرآیند نه‌تنها به زنده نگه‌داشتن آثار قدیمی کمک می‌کند بلکه می‌تواند آنها را در بافت‌های جدید و متناسب با زمان حال بازتعریف کند. به‌عنوان مثال، اقتباس از رمان‌های کلاسیک مانند «غرور و تعصب» یا «بینوایان» باعث شده است که این آثار بارها و بارها در قالب‌های مختلف به مخاطبان جدید معرفی شوند.

**صالحی:** فیلم‌سازان تمایل دارند فیلم‌های اقتباسی بسازند، زیرا اگر بتوانند فیلم را به خوبی بسازند و فیلمی مورد پسند مردم باشد، درآمد بسیار خوبی برای‌شان به ارمغان می‌آورد و سرمایه‌گذاری‌شان چند برابر بازگشت خواهد داشت. اقتباس از داستان‌های شناخته‌شده مثل افسانه‌های شکسپیر یا رمان‌های کلاسیک، امکان ارتباط سریع‌تر با مخاطب را برای فیلم‌ساز فراهم می‌کند. همچنین اقتباس از آثار ادبی، اساطیر یا تاریخ، هم می‌تواند آنها را به شکلی جدید بازتعریف کند و هم می‌تواند نقش مهمی در زنده نگه‌داشتن آنها ایفا کند. این امر نه‌تنها به جذابیت بصری فیلم‌ها می‌افزاید، بلکه به انتقال بهتر مفاهیم و داستان‌های اقتباس‌شده نیز کمک می‌کند.

**سیدعلی ماه:** اقتباس در سینما اهمیت بسیاری دارد، زیرا می‌تواند فرهنگ و ادبیات یک جامعه را به تصویر کشیده و به مخاطبان ارائه دهد. با اقتباس از آثار ادبی و فرهنگی، فیلم‌ها می‌توانند ارزش‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه

را بازتاب دهند و نسل‌های جدید را با این ارزش‌ها آشنا کنند. اقتباس به فیلم‌سازان اجازه می‌دهد تا ایده‌ها و مفاهیم جدیدی را به داستان‌های شناخته‌شده اضافه کنند و به‌این‌ترتیب به غنای فرهنگی و هنری کمک کنند. همچنین، اقتباس می‌تواند بازار فیلم‌ها را گسترش دهد و باعث جذب مخاطبان جدید و افزایش فروش شود.

#### جذابیت‌ها و نقش اقتباس در حفظ میراث فرهنگی جوامع.

**زهرایی:** اقتباس از داستان‌های شناخته‌شده مثل افسانه‌های شکسپیر یا رمان‌های کلاسیک یا حوادث تاریخی آشنا بومی امکان ارتباط سریع‌تر با مخاطب را برای فیلم‌ساز فراهم می‌کند. همچنین، اقتباس از ادبیات، اساطیر یا تاریخ، به‌نوعی می‌تواند آنها را بازتعریف کند به شکلی جدید و هم می‌تواند نقش مهمی در زنده نگه‌داشتن آنها ایفا کند.

برای مثال، فیلم‌هایی مانند «آواتار» یا ارباب حلقه‌ها از جلوه‌های ویژه پیشرفته برای ایجاد دنیاهای فانتزی و شخصیت‌های خیالی استفاده کرده‌اند، بگیریم تا سریال مختارنامه. این فناوری‌ها به فیلم‌سازان کمک می‌کنند تا صحنه‌های تاریخی و دوره‌های تاریخی را با دقت و جزئیات بیشتری بازسازی کنند. مثلاً فیلم «گلادیاتور» از فناوری برای بازسازی رم باستان استفاده کرد و توانست فضای تاریخی را به شکلی واقع‌گرایانه به تصویر بکشد و ما دوباره استفاده از این فناوری را در سریال «موسی» حاتمی‌کیا نیز شاهد هستیم. **احمدی:** اقتباس از داستان‌های شناخته‌شده مانند افسانه‌های شکسپیر یا رمان‌های کلاسیک، امکان ارتباط سریع‌تر با مخاطب را فراهم می‌کند. این امر به دلیل آشنایی قبلی مخاطب با داستان و شخصیت‌هاست. زمانی که مخاطب با داستان اصلی آشنا باشد، راحت‌تر می‌تواند با فیلم ارتباط برقرار کند و این امر به جذابیت اثر می‌افزاید. همچنین، اقتباس می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی و ادبی کمک کند و آنها را در قالب‌های جدید به نسل‌های بعدی منتقل کند. این فرآیند نه‌تنها به زنده نگه‌داشتن آثار قدیمی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند آنها را در بافت‌های جدید و متناسب با زمان حال بازتعریف کند. به‌عنوان مثال، اقتباس از داستان‌های شکسپیر مانند «هملت» یا «مکبث» بارها و بارها در سینما انجام‌شده و هر بار با نگاهی جدید به این داستان‌ها پیرداخته‌شده است. این امر نه‌تنها به غنای سینما کمک می‌کند بلکه باعث می‌شود که این داستان‌ها برای نسل‌های جدید نیز جذاب و قابل درک باشند. علاوه بر این، اقتباس می‌تواند به ایجاد همزادپنداری

بین مخاطب و اثر کمک کند. زمانی که مخاطب با داستان یا شخصیت‌های یک اثر آشنا باشد، راحت‌تر می‌تواند با آنها همذات‌پنداری کند و این امر به جذابیت اثر می‌افزاید. **سیدعلی ماه:** بعضی از آثار مستقیماً از رمان‌ها و آثار ادبی برگرفته شده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر به‌صورت داستان‌های جدید درآمده و فضای کلی آثار را به نمایش درمی‌آورند. به همین دلیل، اقتباس‌های سینمایی جذابیت خاص خود را دارند و مردم این نوع فیلم‌ها را دوست دارند این جذابیت به دلیل ارتباط مستقیمی است که بین اثر ادبی اصلی و فیلم وجود دارد. وقتی مخاطبان می‌بینند که داستان‌ها و

شخصیت‌های موردعلاقه‌شان به تصویر کشیده شده‌اند، ارتباط عاطفی و احساسی قوی‌تری با فیلم برقرار می‌کنند. اقتباس‌ها می‌توانند به حفظ میراث فرهنگی کمک کنند، زیرا آثار ادبی مهم و ارزشمند را به نسل‌های جدید معرفی می‌کنند و به‌این‌ترتیب به بقای این آثار کمک می‌کنند. همچنین، اقتباس‌های سینمایی می‌توانند به ترویج و شناساندن فرهنگ و ادبیات یک جامعه در سطح بین‌المللی کمک کنند و نقش موثری در ارتقای شناخت و درک متقابل بین فرهنگ‌ها ایفاکنند.

#### چالش‌ها و آسیب‌های اقتباس

**زهرایی:** چیزی که اطلاع دارم این است که رمان‌هایی که خوب و پرفروش هستند و قابلیت تبدیل شدن به مدیوم سینما را دارند، نویسندگان‌شان حق تألیف بسیار بالایی می‌خواهند؛ یعنی تهیه‌کننده می‌آید، حالا صنعت سینما می‌آید وسط، می‌گوید من باید دستمزد نویسنده فیلمنامه را بپردازم که از ۳۵۰ میلیون تومان به بالا شروع می‌شود. تهیه‌کننده می‌گوید من باید یک قیمت پایه برای فیلمنامه در نظر بگیرم و سپس افزون بر آن یک پولی هم برای اصل داستان پرداخت کنم. این پول کم نیست، چون نویسنده می‌گوید کل داستان از من است و جهان داستانی را من خلق کرده‌ام. تهیه‌کننده‌ها دوست دارند روی رمان‌های پرفروش سرمایه‌گذاری کنند، اما هزینه‌های بالا این امکان را محدود می‌کند. مسأله دیگر این است که برخی تهیه‌کننده‌ها می‌گویند چرا باید دو برابر پول بدهند، وقتی می‌توانند تنها یک هزینه را پرداخت کنند. آنها تمایل دارند

فیلم‌های اقتباسی را از نویسندگانی خریداری‌کنند که خودشان نیز در مقام کارگردان فیلم‌ها را بسازند، زیرا از این طریق می‌توانند صرفه جویی قابل توجهی کنند و هزینه‌ها را کاهش دهند، مخصوصاً در فیلم‌های اولیه‌ها که حتی ممکن است نصف قیمت دستمزد فیلمنامه را هم ندهند و در برخی موارد اصلاً برای آن مبلغی در نظر نمی‌گیرند و این وسط فیلمنامه‌نویس که کارگردان اثر هم است، همین که فیلمش ساخته شده بسیار خوشحال و راضی نیز هست.

یک حالت سومی هم وجود دارد که تهیه‌کننده حاضر است وجه را به نویسنده رمان یا داستان بپردازد، ولی متأسفانه، برخی نویسندگان حاضر به پذیرش این شرایط نیستند و به دلایل

# صفحات کاغذی

## در ادامه سلسله نشست‌های مدرسه نقد در روزنامه «جام‌جم»، کار

مختلفی مانند ترس از خراب شدن اعتبارشان، از این همکاری خودداری می‌کنند. درصورتی‌که وقتی فیلمی ساخته شود، چه خوب چه بد، برمی‌گردد به کارگردان و نویسنده فیلمنامه و ارتباطی با نویسنده رمان ندارد. نمونه‌های بسیار زیادی در دنیا از نمونه‌های خوب و بد از یک داستان وجود دارد، مثل «پیرمرد و دریا» که تاکنون چندین بار ساخته‌شده و در برخی موفق و در برخی دیگر ناموفق بوده است. حالت بعدی این است که نویسندگان به مدیوم سینما علاقه چندانی ندارند. این مسأله را در انتهای بحث به‌طور کامل توضیح خواهیم داد. برخی از نویسندگان معتقدند که نباید به داستان‌شان دست زده شود؛ نباید کم یا زیاد شود. آنها واقعاً فکر می‌کنند که داستان‌شان مثل بچه‌شان است و نمی‌خواهند به آن دست زده شود؛ اما ماهیت مدیوم سینما این‌گونه نیست. در واقع آنها سینما را نمی‌شناسند و طبیعتاً با آن نامهربان هستند.

این مسائل باعث شده است که مقوله اقتباس در کشور ما با مشکلاتی مواجه‌شود. تهیه‌کننده‌ها با هزینه‌های بالا و فشار اقتصادی روبه‌رو هستند و ترجیح می‌دهند دنبال فیلم‌های دیگری بروند که هزینه کمتری دارند. به همین دلیل مقوله اقتباس در کشور ماکمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و در نهایت تهیه‌کننده به این نتیجه می‌رسد که؛ نه دیدار عرب، نه شیر شتر.

**احمدی:** باوجود مزایای فراوان، اقتباس در سینما با چالش‌ها و آسیب‌هایی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، عدم درک درست فیلمنامه‌نویس از محتوای اصلی اثر است. برخی از داستان‌ها به دلیل ماهیت ذهنی یا ساختار پیچیده‌شان، قابلیت تبدیل به تصویر

را ندارند. به‌عنوان مثال، برخی از داستان‌ها دارای بخش‌های طولانی از توصیفات ذهنی هستند که به سختی می‌توان آنها را به تصویر کشید. در چنین مواردی، فیلم‌سازان ممکن است مجبور شوند بخش‌هایی از داستان را حذف یا تغییر دهند که این امر می‌تواند به از دست رفتن بخش‌هایی از روح داستان اصلی منجر شود.

همچنین، اقتباس‌های آزاد یا برداشت‌های شخصی از آثار ممکن است باعث ایجاد تنش بین منتقدان، نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان شود. برخی از نویسندگان ممکن است با تغییراتی که در اثرشان ایجاد می‌شود، مخالف باشند و این امر می‌تواند به درگیری‌های حقوقی و اخلاقی منجر شود. به‌عنوان مثال فیلم «مردم معمولی» ( Ordinary People) به‌دلیل شباهت‌های



■ **احمدی:**  
**اقتباس از داستان‌های شناخته‌شده مانند افسانه‌ها کلاسیک، امکان ارتباط سریع‌تر با مخاطب را فراهم می‌کند. این امر به دلیل آشنایی قبلی مخاطب با داستان و شخصیت‌هاست. زمانی که مخاطب با داستان اصلی آشنا باشد، راحت‌تر می‌تواند با فیلم ارتباط برقرار کند**

